



پنج‌شنبه ۷ تیر ۱۴۰۳ - ۲۰ ذی‌الحجه ۱۴۴۵

سفر بدون برنامه‌ریزی و آگاهی دستاوردی ندارد

سفرهای دوران کودکی بر پایه تصمیم و سلیق دیگریان است؛ با هدف قبلی نیست به همین دلیل ممکن است علاقه‌ای به طبیعت شکل نگیرد. علاقه به طبیعت‌گردی و آشنایی با آن زمانی شکل می‌گیرد که با برنامه‌ریزی و به صورت آگاهانه باشد. در اصل سفر اگر از روی خرد و معرفت باشد دستاورد و آموزخته‌ای برای مسافران خواهد داشت. این تعریف از سفر را نسرین صالحی، کارشناس گردشگری و نویسنده کتاب «طبیعت‌گردی در ایران» ارائه می‌دهد. او مقالات زیادی در این حوزه دارد و کتاب‌هایی نیز در زمینه خوراکی‌های ایرانی به نگارش درآورده است. وی اشاره می‌کند که برنامه‌ریزی و تصمیمات آن خانواده‌ها برای رفتن به سفر دارد و آن را علت تعداد کم سفر در بین خانواده‌ها می‌داند صفحه ۸

تأملی در سبک مسافرت و گردش ایرانی‌ها به بهانه آغاز فصل تابستان

سفره مسافرت را ساده بچین!



آرش نورآقایی پژوهشگر مدرس و فعال حوزه گردشگری:

سفر رفتن یادگرفته است



سعید محمودی از ناوه عکاس و ایرانگرد:

کیفیت و سبک سفر رابطه مستقیمی با تمکن مالی دارد



جواد قارابی، کارگردان، تهیه‌کننده و راوی مستند تلویزیونی «ایرانگرد»:

سفر مسئولانه احترام به خود سرزمین و اهالی میزبان است



دکتر محمدرضا مهراندیش، کارشناس ارشد پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری:

نمایش سفرهای لاکچری در دل مردم حسرت می‌کارد

نقد آنانی که بر شیوه خودتحقیری ملی می‌دمند

شکوه ایران و ایرانی همچنان پابرجاست



اما او خودتحقیری در عصر پهلولی اتفاق افتاد. شخصیت بر جسته این دوره، حاج علی‌رزم‌آرا بود که با کمال وقاحت و صراحتاً در مجلس اعلام کرد که ایرانی‌ها عرضه درست کردن یک لوله‌نگ (آفتابه) را هم ندارند، چه رسد به اداره صنعت نفت و چه بسیاری از این دست افزایش! با وقوع انقلاب اسلامی، ارزش‌های دینی، به ویژه شیعی، فرهنگ جامعه را تغییر دادند و یکی دو نسل زیر سایه این ارزش‌های والا، زندگی اسلامی همراه با قناعت و سرفرازی را تجربه کردند. بهترین خاطر ملت به دورانی بر می‌گردد که با حداقل تنعمات مادی، سر خود را بالا گرفت و در برابر همه دنیا که کمر به قتل انقلاب بسته بودند، ایستاد. اما زندان بی‌گناه نشستنند و در سال‌های پس از جنگ به نام سازندگی و به کام سرمایه‌داری جهانی، همان مرام و مسلک سابق را احیا کردند و به یمن غفلت و جهل و گاهی هم خیانت مسئولان فرهنگی، بار دیگر به اشاعه فرهنگ فلج‌کننده خودتحقیری پرداختند و این بار با اتکالی به تجربه‌های پیشین، زمان را از دست ندادند و از هیچ عرصه‌ای، به‌خصوص هنر و رسانه غفلت نکردند.

بیشتری به خرج می‌دهند. این همان چهره کثیف استعمار نوست که توانسته با شناخت‌های رسانه‌ای، پیاده‌نظام حاضر به براق و جان‌فدایی را به صورت رایگان به استخدام دائمی خود درآورد. این مفلوکان پرمدعا دست‌کم مثل اسلاف خود، جیره و مواجب هم نمی‌گیرند و از بابت کولی‌داندن‌های جهانی بسیار مشغوف و سرافراز هم هستند و همین که «کدخدا» احتمالاً به اشارتی آنان را مورد عنایت قرار دهد، عرش خدا را سیر می‌کنند. این شیوه از نوکری و بردگی در تاریخ جهان بی‌بدیل و بدیع است.

روشنفکران ایرانی انصافاً در تزییق روحیه خودتحقیری به ایرانی‌ها حد بلیغ دارند. از سفرنامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی به اروپا یا عنوان «حبریت‌نامه ایلچی» بگیرید که در آن از دیدن جمال و کمال غربی‌ها، به ویژه بانوان مکرمه و دست و دلباز آن دبار، دچار حیرت شده و آه از نهادش برخاسته و عقب‌ماندگی دیرینه ایرانی‌ها را تو سب سرشان زده و شامت‌های فراوانی را باریشان کرده است تا میرزا ملکم‌خان کبیر که یکی از چهره‌های مؤثر صدور تمدن اروپایی به ایران و از مؤثرترین چهره‌ها برای نهادینه‌کردن خودتحقیری در ایرانی‌هاست. البته میرزا دچار بلاهت مزدوران معاصر نیست که مفت و مجانی این رنگ تاریخی را بر خویش هموار کرده‌اند، بنابراین بابت خوش خدمتی‌هایش رشوه‌های کلان گرفت. در کنار او افرادی چون میرزا فتحعلی آخوندزاده تلاش بسیار کردند که به‌عزم خود دینی را برای مردم به ارمغان بیاورند که پاسخگوی نیازهای روز باشند. میرزا عبدالحمیم طالبوف تبریزی هم با کمک بهایی‌ها به شکل موربان‌واری به جان دین و فرهنگ مردم افتاد.

روشنفکران عصر قاجار برای نهادینه کردن خودتحقیری در ایرانی‌ها تلاش‌های همه‌جانبه و پیگیری کردند و آخوندزاده تا حد تغییر خط و زبان هم پیش رفت که البته راه به جایی نبرد،

نگاه

پروین قانمی

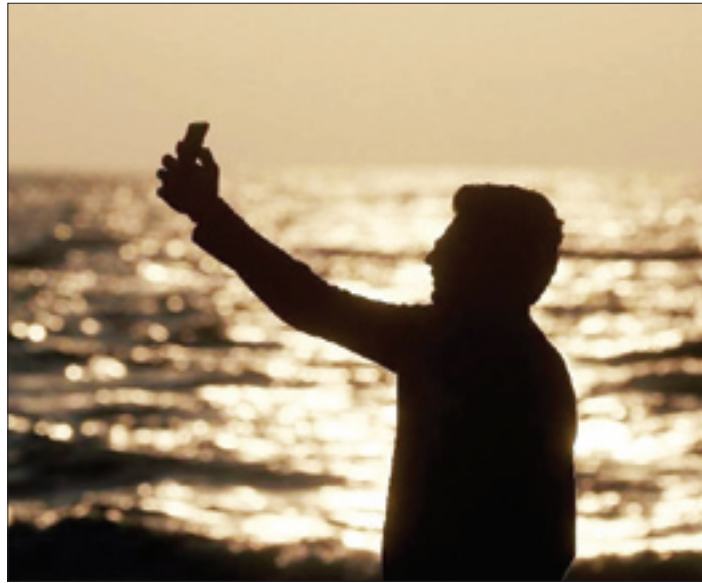
خودتحقیری شکلی از بی‌اشوبی و نشانه عزت نفس پایین یابی احترامی به خود است. ما پارها و بارها تعبیری از این دست را شنیده‌ایم و برخی از آنها در اثر تکرار در ما تبدیل به یقین شده‌اند: «ایرانی‌ها کار جمعی را بلد نیستند»، «ایرانی‌ها بلد نیستند خودشان را اداره کنند»، «آن وقت به فکر اداره جهان هستند».

تعبیری از این دست از دیرباز به شکلی هوشمندانه از سوی عوامل استعمار طراحتی و از طریق طیف روشنفکران مستترنگ به خورد ملت ایران داده شده و به صورت یک باور جمعی در آمده‌اند. خسارتی که استعمار با این ترفند به فرهنگ و عزت نفس ایرانی‌ها وارد کرده، به هیچ وجه قابل قیاس با خسارت‌های مادی نیست، زیرا برای جبران خسارت‌های مادی شاید بتوان راهی پیدا کرد، اما بیرون کشیدن خار خودتحقیری از وجود یک ملت کار ساده‌ای نیست و نیازمند برنامه‌ریزی‌های بسیار عمیق و دقیق و هوشمندانه افراد آگاه به توانمندی‌های ملی و دینی و فرهنگی مردم ایران است، در حالی که متأسفانه در کشور ما جاماندگان و رانده‌شده‌ها، عرصه‌های دیگر را به امور فرهنگی می‌گمارند و به احساس خودتحقیری جامعه دامن می‌زنند. در این هنگامه خودتحقیری است که بسیاری به‌ویژه تحصیلکرده‌ها به‌رغم مشاهده پیشرفت در بسیاری از زمینه‌های بنیادی، همچنان در این بوق می‌دمند که ایرانی‌ها توان برآورده کردن نیازهای خود را ندارند و تماماً باید کشکول گدایی‌شان را به سمت بیگانگان، مخصوصاً غرب و امریکادراز کنند، غافل از اینکه اگر گدایی کردن برای ملتی فایده‌ای داشت، پیش از این بسیاری چنین کردند و حاصلی جز غارت و حقارت بیشتر نداشت.

در طول تاریخ، هر چه ما از کار مداوم و اصیل و علمی در زمینه معرفی برجستگی‌های تاریخی و دینی و ملی خود کم‌کار و لاف‌هایستیم، دشمنان ایران و اسلام، به‌ویژه صهیونیست‌ها لطف‌های بی‌گانه نمی‌نشینند و با تلاش مستمر و استفاده از آخرین فناوری‌ها و جذابیت‌های رسانه‌ای در حال ایجاد انگار‌های انحرافی فرهنگی در مسلمانان، به‌ویژه ایرانی‌ها هستند. غربی‌ها برای تحقیر ملل غیراروپایی و ایجاد احساس خودتحقیری روانی و فکری مردمان دیگر کشورها از ایرانی‌ها هم که غرب ناچار به اعتراف دربارسه توانمندی ایرانی‌ها می‌شود، سینه‌چاکان داخلی غرب نهایت تلاش‌شان را به کار می‌گیرند که از تأثیر این تحلیل‌ها بکاهد و برای ضایع کردن تلاش‌های هموطنان‌شان از غربی‌ها هم شورش و هیجان

خودمانی

عکس از سفر یا سفر برای عکس؟!



نیره ساری
وای چه منظره‌ای، بیا اینجا به عکس بگیریم! از این‌ور هم بگیریم! ببینم عکسمو از این زاویه هم بگیرم، اونجا نورش خوب نبود! بازار شالموعوض کنم با این یکی هم بگیر! ببین به نظرم تو دست خسته شدی، بدم به فلاپی بگیره! من برای این در جوی سوخته و فانوس خراب سال‌هاست شعر ذخیره کردم که استوری کنم، اینو بگیر! آرشه! صورتم از اون‌ور لاغرتر می‌افته! بذار لب آب باهامو بنذارم بعد انگار یه هو موج می‌زنه، عکس بگیر! غروب شد بیا یه شات هم از غروب بگیریم! ماشینو نگاه دار اینجا واسه عکس عالی! آنقدر عکس گرفتیم که رفیق‌مان خسته شد، مادرمان ناراحت شد، برادرمان عصبانی شد، همسرمان کم آورد! کاری نداریم جای پرخطری است یا نه! برای نشان دادن جایی که رفتیم هر ریسکی را به جان می‌خریم! حتی به قیمت ناراحتی فیه! مهم این است که عکس ما ثابت شود و برای نمایش به دیگران در صفحات مجازی ماها عکس داشته باشیم! یک روز با این سمت ایشار روز دیگر از آن سمت ایشار، یک روز در این سمت ایشار روز دیگر از آن سمت ایشار، برخی از ما اگر خودمان هم روزی خسته شویم حالاً فرزند کوچک‌مان را دستمایه عکسبرداری قرار می‌دهیم. آنقدر از طفل معصوم با اداهای مختلف عکس می‌گیریم که نمی‌گذاریم او از بودن در طبیعت و شن بازی و خاک‌بازی لذت برد. طبیعی است وقتی با لباس خوب لب دریا می‌رویم برای آب‌بازی و شن‌بازی محدود می‌شویم. قاعدتاً وقتی فلان کنای را برای نشان دادن در عکس می‌پوشیم دیگر نمی‌توانیم لذتی از در و دست ببریم. به هر حال گران خریدیم و سعی می‌کنیم در نگهداری آن هم کوشا باشیم.

چای بیخ کرده، اما فلاپی هنوز در حال عکس گرفتن و استوری گذاشتن است. غذا از دهن افتاد و جمعی منتظر هستند تا فلاپی عکس بگیرد. شارژ گوشی تمام شد و نیاز به گوشی است، اما باتری هم قربانی لذت‌گرایی را قربانی استوری کرد، حض دیدن کوچه باغ‌ها را به لایو چند دوست و رفیق فروخت. یک گام از جمع بیشتر عقب بود چون هنوز دنبال عکس گرفتن بود.

کسی مخالف عکس انداختن نیست، اما صرفاً چند شات آن هم برای یادگاری و مرور خاطرات. تا به حال هیچ کس از دیدن تصاویر و مناظر قید رفتن به جایی را نرده است که بگوید خوب دیدن همین عکس‌ها کافی است. اصلاً دیگران به کنار به خودتان و لذت سفر فکر کنید. نصف لحظات عمر شما به جای دیدن تصاویر صرفاً به دیدن مناظر از صفحه گوشی و لنز دوربین گذشت.

پز چی را می‌دهی؟ باشه خوب تو اهل سفر تو خارج برو، تو لوور ببین و ایشار برو، تو طبیعت گرد، تو صخره‌نورد و غارنورد هستی! اما آیا دنبال «خوش عکس» و «کاش ما جای شما بودیم» و «وای خوش به سعادت هستی»؟! ما حتی در سفرهای مذهبی ول کن ماجرا و عکس نیستیم. پشت به حرم و وضی اهل‌بیت می‌ایستیم و با لیخند عکس می‌اندازیم و بعد سریع استوری می‌کنیم یا پروفایل می‌گذاریم. پشت به امام و وضی برای عکس؟! فلان هتل را در عتبات زرو می‌کنید که برای عکاسی بالای پشت‌بام آن بروید تا ضریح بهتر مشخص باشد و در استوری بگویید ما دوباره خوش روزی بودیم و طلبیده شدیم؟! هیچ کس نمی‌گوید، عکس بگیریم و نگیرید، بگیریم اتفاقاً حتماً هم بگیریم، ولی هر چیزی حدی دارد. تصویری که ثبت می‌کنید در واقع یادگاری از همان لحظه است که بعدها به خاطرهای تبدیل می‌شود نه صرف نمایش سفر رفتن به دیگری که معلوم نیست بتوانند آن سفر را بروند یا نه!